

بررسی باورها و اعتقادات عامهٔ مربوط به جانوران و زیبایی‌شناسی تصاویر آنان در خمسهٔ نظامی

اشرف ناجی^۱

دکتر رضا فهیمی^{۲*}

دکتر رحیم طاهر^۳

چکیده

باورها و اعتقادات، بخشی از فرهنگ عامهٔ مردم است که باورهای خرافی، طبی، نجومی، باورهای مربوط به جانوران و... را در بر می‌گیرد. بخش قابل‌توجهی از آثار شعرا به باورهای مربوط به جانوران اختصاص یافته است. نظامی از این دسته شاعران است که در خمسهٔ وی، این باورها را منعکس نموده است. وی برای زیبا نمودن و جذابیت این باورها، از عناصر صور خیال بهره برده است. از همین رو در این پژوهش باورهای عامیانهٔ جانوران؛ یعنی حیوانات و به‌همراه عناصر مؤثر در زیبایی مربوط به تصاویر این جانوران، در خمسهٔ نظامی بررسی می‌شود. روش کار در این پژوهش توصیفی - تحلیلی بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای است. نتایج نشان می‌دهد که نظامی تحت‌تأثیر فرهنگ عصر خویش از باورهای مربوط به جانوران آگاهی داشته و بسیاری از حیوانات و پرندگان را دستمایهٔ خلق مضامین متنوع قرار داده است. ضمن اینکه از تشبیه، استعاره، کنایه و تمثیل در زیباتر نمودن این باورها بهره جسته است.

واژگان کلیدی: باورها و اعتقادات، زیبایی‌شناسی، جانوران، نظامی گنجوی، خمسه.

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

Email: Naji.ashraf@stu.iau-saveh.ac.ir

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران (نویسنده مسؤؤل)

Email: fahimi@iau-saveh.ac.ir

۳. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

Email: Drtaher2022@iau-saveh.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۸/۰۶

مقدمه

باور از (Belief) انگلیسی گرفته شده به معنی عقیده و باور است. (ر.ک: آریان‌پور، ۱۳۸۵: ج ۲/ ۲۰۱) در تعریفی ساده باورها و عقاید، اندیشه‌هایی است که انسان به حقانیت و درستی آن اعتقاد کامل دارد. (ر.ک: پارسا، ۱۳۸۳: ۳۱)

۲) به عقیده کرچ (Kerch) و کرچفیلد (Kerchfield) «باور، سازمانی باثبات از ادراک و شناختی نسبی درباره جنبه خاصی از دنیای یک فرد است. برای مثال، اعتقاد به بابائونل که مفاهیم گوناگون آمیخته‌ای همچون: جنبه جسمانی، لباس و نوع پوشش، جنبه کارکردی آن را دربر می‌گیرد. در مفهوم وسیع‌تر، باورها دربرگیرنده شناخت یا دانسته‌ها، عقاید یا آیین است.» (روشبلاو و بورفیون، ۱۳۷۱: ۱۲۴) فولکلورشناسان بر این عقیده‌اند که پیدایش باورها از نیاز طبیعی انسان به دانستن علل حوادث و پدیده‌های طبیعی به وجود می‌آید. چراکه مردم هر سرزمینی به دنیای اطراف خود و موجودات آن می‌نگرند و درباره آنها برداشت‌هایی می‌کنند.

نظامی شاعر توانای قرن ششم است که نظم داستان‌های بزمی و غنایی را به حد اعلای خود رساند. یکی از عوامل زیبایی و جذابیت خمسه، توجه به عناصر فرهنگ عامه و انعکاس آن در این اثر است. انواع عقاید و باورها همچون: باورهای اسطوره‌ای و افسانه‌ای، مذهبی، خرافی، طبی، باورهای مربوط به جانوران و آداب و رسوم و آیین‌های گوناگونی چون ازدواج، پادشاهی، مرگ و سوگواری و... در منظومه وی مایه خلق تصاویر زیبا گردیده است.

از آنجایی که اوج توجه به فرهنگ و باورهای عامه در آثار شاعران سبک آذربایجانی و سبک هندی بوده، و نیز با توجه به اینکه نظامی از شاعران برجسته سبک آذربایجانی بوده، جستار حاضر به بررسی یکی از باورهای عامیانه یعنی اعتقادات مربوط به جانوران در خمسه نظامی اختصاص یافته است و هدف نگارندگان پاسخ به این پرسش‌هاست:

- میزان انعکاس باورهای مربوط به جانوران در خمسه نظامی چه اندازه است؟

- نظامی با استفاده از کدام یک از عناصر زیبایی‌شناسانه در تصویرسازی این جانوران بهره

برده است؟

پیشینه تحقیق

با توجه به اینکه تاکنون پژوهشی که به‌طور اختصاصی به باورهای عامه درباره جانوران در خمسه نظامی بپردازد، یافت نشده است، لذا به چند نمونه از پژوهش‌هایی که مرتبط با این موضوع هستند و به باورهای جانوری پرداخته‌اند، اشاره می‌شود: حسین زنگانه و ایرج مهرکی (۱۳۹۹) در مقاله «خاقانی و باورهای عامیانه درباره جانوران»، به بررسی باورهای عامه در دیوان خاقانی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که باورها و الفاظ عامیانه در قصاید خاقانی جایگاهی ویژه دارند و می‌توان آنها را در پنج دسته چشم‌زخم، تعویذها، فالگیری و پیشگویی، سحر و جادو و پری جای داد؛ اصغر نوذری در مقاله «بازتاب باورهای مردمی درباره جانوران در دیوان صائب تبریزی»، به شناخت باورهای جانوران در دیوان صائب تبریزی پرداخته است و این باورها را در دو بخش پرندگان و حیوانات بررسی نموده است؛ حسین اتحادی (۱۴۰۰)، در پژوهش «ارتباط تصاویر حیوانی با عاطفه، روحيات و باورهای خاقانی»، جایگاه جانوران را در دیوان خاقانی بررسی نمود و دریافت که استفاده شاعر از تصاویر جانوران قالبی نیست، بلکه برای برخی حیوانات همچون فیل و سگ و شیر اوصاف تازه‌ای در نظر گرفته است که سبب برجسته شدن مضامین وی شده است؛ سلیمان اسکندری‌راد (۱۳۹۲)، در مقاله «جانوران در باور و اساطیر ایران باستان»، به بررسی سرآغاز جانوران از دریچه باورهای اساطیری ایرانیان باستان پرداخت و نتیجه گرفت که ایرانیان باستان به تبع یک باور عام که هستی و تمام تغییرات آن را تابع کنش‌های دو نیروی نیکی و بدی در برابر هم تصویر می‌کرد، پیدایش جانوران را نمودی از خواست هر مزد برای آفرینش جهانی روشن، زیبا و سودمند می‌دانستند.

روش تحقیق

این مقاله جزء تحقیقات توصیفی - مقایسه‌ای است. گردآوری داده‌های تحقیق با روش مطالعه کتابخانه‌ای و با بررسی اسناد و مدارک علمی انجام شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها در این پژوهش به صورت کیفی صورت گرفته است؛ یعنی مبتنی بر توصیف و تطبیق با ارائه آمار و جدول است.

بحث و بررسی

بخش قابل‌توجهی از باورهای عوام در خمسه نظامی به باورهای جانوران اختصاص یافته است که بسیار جالب و متنوع است. در این بخش نخست مهم‌ترین باورهای مربوط به حیوانات و پرندگان بررسی می‌شوند، سپس به مبحث زیبایی‌شناسی پرداخته می‌شود:

باورهای مربوط به جانوران

آهو

آهو جانوری است نشخوارکننده و دونده‌ای بسیار چابک و سریع است که دست و پای بلند و چشمانی زیبا دارد. مشک نافه آهو معروف است. به گفته سیروس شمیسا از هر علفی که آهو می‌خورد مشک به وجود نمی‌آید، بلکه زمانی که این حیوان لاله و سنبل چرا کند، ناف وی تبدیل به مشک می‌شود. (ر.ک: شمیسا، ۱۳۷۷: ۷۰) در بیت زیر، نظامی خوردن قرنفل را علت پرورش نافه در ناف آهو می‌داند:

چو آهو به چین مشک پرورده بود قرنفل به هندوستان خورده بود

(نظامی، ۱۳۸۱: ۳۶۲)

وحید دستگردی در حاشیه شرف‌نامه در این‌باره می‌نویسد که آهوان مشک‌پرور چین به‌خاطر زیاد خوردن گیاه قرنفل در بیابان چین در نافه مشک می‌پرورند. بیت در وصف کید هندو است؛ یعنی از گیسوی مشکین مانند آهوی چین مشک‌پرور بود، ولی قرنفل را در چین نخورده بود، بلکه در هندوستان خورده بود. (ر.ک: نظامی، ۱۳۸۱: ۳۶۲)

اژدها

اژدها جانوری اسطوره‌ای و شبیه سوسماری عظیم‌الجثه است که دو بال دارد و از دهانش آتش بیرون می‌آید و نگهبان گنج‌های زیر زمین بوده است. (ر.ک: یاحقی، ۱۳۶۹: ۷۵) از باورهای اشاره‌شده از سوی نظامی به این جانور می‌توان موارد زیر را برشمرد:

الف) اژدها حارس و نگهبان گنج‌هاست. در لغت‌نامه دهخدا نیز به این باور اشاره شده که اژدها گنج‌های زیر زمین را پاس می‌داشته است. (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه) نظامی در بیت زیر با به‌کارگیری این باور می‌گوید: چون اژدها نگهبان گنج دنیا است، بنابراین گنج تو را به اژدهای بلا تسلیم می‌کند، درحالی‌که رنج خزانه‌دار راحت‌هاست.

حارسی اژدها گنج راست خازنی راحت‌ها رنج راست
(نظامی، ۱۳۸۰: ب: ۹۸)

ب) اژدهای هفت‌سر: اژدهای هفت‌سر در افسانه‌ها معروف است. نظامی هم در هفت پیکر از این موجود سخن گفته است:

اژدهایی چهار پای و دو پر وین عجب‌تر که هفت بودش سر
(نظامی، ۱۳۸۰ الف: ۲۴۳)

ج) اژدها مردم‌خوار است.

به مردم کشی اژدها پیکرم نه مردم کشم، بلکه مردم خورم
(نظامی، ۱۳۸۱: ۱۱۳)

د) ارتباط ماه و اژدها: عوام معتقدند، علت خسوف ماه این است که اژدها او را می‌گیرد؛ بنابراین برای دفع آن، بر پشت بام می‌روند و بر طشت مسین می‌کوبند تا اژدها بترسد و ماه را رها کند. در کتاب «فرهنگ عامیانه مردم ایران» به این باور عوام اشاره شده است: «ماه یا خورشید که می‌گیرد، برای این است که اژدها آن را در دهان خودش می‌گیرد و برای اینکه اژدها بترسد و آن را قی بکند، باید آتش‌بازی بکنند، ساز بزنند، تیر خالی بکنند، تشت بزنند، آن وقت اژدها می‌ترسد و آن را رها می‌کند.» (هدایت، ۱۳۷۸: ۱۴۱)

مه به آواز طشت رسته ز میغ نه به طشت تهی به طشت و به تیغ
(نظامی، ۱۳۸۰ الف: ۹۷)

دید دودی چو اژدهای سیاه سُر برآورده در گرفتن ماه
(نظامی، ۱۳۸۰ الف: ۳۲۵)

اسب

اسب جزء جانوران پنج‌گانه نام‌برده‌شده در اساطیر است و از ۲۵۲ نوع گوسفندی است که از منی گاو یکتاآفریده به وجود آمدند، زمانی که آن گاو از تاخت اهریمن کشته شد. (ر.ک: روایت پهلوی، ۱۳۶۷: ۵-۵۴) و مانند تمام جانوران پنج‌گانه مقدس حقوقی دارد که زیر پا گذاشتن آن گناهی است که توبه را در پی دارد. یکی از اسب‌های خاص در پنج‌گنج نظامی شب‌دیز است. بنابه اشاره نظامی این اسب از مادیانی در کمر کوه و از سنگی سیاه به وجود آمده است:

که زیر دامن این دیر غاریست	در و سنگی سیه گوئی سواری است
ز دشت رم گله در هر قرانی	به گشتن آید تکاور مادیانی
ز صد فرسنگی آید بر در غار	در او سنبند چو در سوراخ خود مار
بدان سنگ سیه رغبت نماید	به رغبت خویشتن بر سنگ ساید
به فرمان خدا زو گشن گیرد	خدا گفتی شگفتی دل پذیرد
هران کره کزان تخمش بود بار	ز دوران تک برد وز باد رفتار
چنین گوید همیدون مرد فرهنگ	که شب‌دیز آمدست از نسل آن سنگ

(نظامی، ۱۳۸۴: ۱۵۲-۱۵۳)

در خمسه نظامی به این باور اشاره شده است که اسب در هند عمری کوتاه دارد و زود هلاک

می‌شود:

سه چیز است کان در سه آرامگاه	بود هر سه کم عمر و گردد تباه
به هندوستان اسب و در پارس پیل	به چین گربه زین سان نماید دلیل

(نظامی، ۱۳۸۱: ۳۶۶)

افعی

افعی جانوری است از خانواده مارها که بدنی ضخیم و دمی کوتاه و سری پهن و مثلثی شکل دارد. (ر.ک: لطیفی، ۱۳۶۴: ۱۹۹) قزوینی آن را از خبیث‌ترین و بدترین مارها دانسته است. (ر.ک:

قزوینی، ۱۳۶۱: ۳۸۴) یکی از باورهای موجود درباره این جانور این است که برق موجود در سنگ زمرد، چشم مار، افعی و اژدها را کور می‌کند. البته ابوریحان بیرونی این مطلب را تجربه کرد و بر وی معلوم گشت که بی‌اساس است. (ر.ک: ابوریحان بیرونی، ۱۳۷۵: ۹۶) نظامی در بیت زیر از منظومه خسرو و شیرین ضمن اشاره به باور افعی و زمرد و به کار بردن چهار استعاره زیبای عقیق، الماس، زمرد و افعی، می‌گوید: (شیرین) پس از گفتن این سخن عقیق لب را با الماس دندان گزید و زمرد رخسار خویش را با افعی گیسوان پوشاند.

وزین پس بر عقیق الماس می‌داشت زمرد را به افعی پاس می‌داشت

(نظامی، ۱۳۸۴: ۱۴۴)

هر که در او دید دماغش فسرد دیده‌چو افعی به زمرد سپرد

(نظامی، ۱۳۸۰: ۶۰)

همچنین مطابق نظر قدما، سوسن کشنده افعی است. (مخزن الأسرار، ۵۳) نظامی در بیت زیر به این باور اشاره می‌کند. وحید دستگردی در حاشیه مخزن الأسرار در معنی این بیت می‌گوید: نمایش سبزه باغ، چشم بیننده را مانند چشم نرگس روشن می‌کرد و گیاه آن باغ مانند، سوسن افعی بود. (ر.ک: نظامی، ۱۳۸۰: ۵۴)

سرمه بیننده چو نرگس نماش سوسن افعی چو زمرد گیاش

(نظامی، ۱۳۸۰: ۵۳)

جغد

این پرنده مرغی است به نحوست مشهور و اسم فارسی آن بوم است و در روز قوه بصر ندارد. (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه) طبق باور عوام جغد شوم است و در ویرانه‌ها نگهبان گنج‌هاست. به گفته شمیسا، اعراب بر این باور بودند که بعد از مرگ انسان‌ها روح وی به صورت جغد از جمجمه بیرون می‌آید. (ر.ک: شمیسا، ۱۳۷۷: ۳۱۰)

جغد که شوم است به افسانه در بلبل گنج است به ویرانه در

(نظامی، ۱۳۸۰: ۱۰۲)

از آنجایی که گنج در ویرانه است و جغد نیز در آنجا زندگی می‌کند، لذا نظامی در این بیت جغد را بلبل گنج در ویرانه خوانده است.

خرگوش

طبق عقیده قدما، چشمان خرگوش موقع خواب باز است. همدانی در کتاب «عجایب‌نامه» (ر.ک: همدانی، ۱۳۷۵: ۲۴۵) و جاحظ در کتاب «الحيوان» به این باور اشاره کرده است. (ر.ک: جاحظ، ۱۴۲۴ق: ج ۶ / ۱۱۸) در بیت زیر خواب خرگوشی، کنایه از غفلت و بی‌خبری است.

خواب خرگوش من نهفته بود خصم را بیند ار چه خفته بود

(نظامی، ۱۳۸۰ الف: ۱۲۹)

نظامی از زبان اسکندر می‌گوید: خواب من مانند خواب خرگوش پنهانی است و در موقع خواب هم دشمن را می‌بینم؛ زیرا خرگوش هم وقتی می‌خوابد، چشمانش باز است.

خروس

خروس مرغی لطیف و رعنا است. تاج و گوشواره و لویه (ریش) دارد. شجاع و غیور است و بخشنده؛ زیرا ماده‌اش را بسیار دوست دارد و هنگام دانه خوردن او را بر خود مقدم می‌دارد. شب‌ها کم می‌خوابد و طبع وی پراضطراب می‌باشد. (ر.ک: طوسی، ۱۳۴۵: ۲۴-۵۲۳) از باورهای مردم درباره این پرنده که نظامی هم بدان اشاره کرده سه مورد زیر است:

الف) خروس سپید عرشی: بنابه تفسیر طبری پیامبر(ص) در شب معراج در آسمان چهارم مرغی سپید مانند خروس می‌بیند که پای او بر روی طبقه هفتم زمین و سر او بر روی طبقه هفتم آسمان بود. جبرئیل به پیامبر می‌گوید که این خروس سپید است که هرگاه بانگ زند، همه خروس‌های زمین با او هم‌صدا شوند. پیامبر هم فرمود که این خروس سپید دوست من است. (ر.ک: یاحقی، ۱۳۶۹: ۱۷۹) نظامی در خمسه به خروس سپید عرشی اشاره کرده است.

... همانا که آن مرغ عرشی منم که هر بامدادی نوائی ز منم

بر آواز من جمله مرغان شهر بر آزند بانگ، اینت گویای دهر

(نظامی، ۱۳۸۵: ۲۹)

ب) از دیگر باورها در باب این پرنده این است که غول و دیو از بانگ خروس می‌گریزند. در تاریخ بلعمی نیز به این امر اشاره شده است که عجم خروس، به‌ویژه خروس سفید و بانگ به‌وقت او را نیکو دارند و معتقدند دیوان به خانه‌ای که خروس در آن باشد، وارد نمی‌شوند. (ر.ک: طبری‌آملی، ۱۳۸۷: ج ۱/ ۱۷۷)

شنیدم‌گر به شب دیوی زند راه
خروس خانه بردارد علی‌الله
چه شب بود آن که با صد دیو چون قیر
خروسی را نبود آواز تکییر؟
(نظامی، ۱۳۸۰: ۲۹۲)

ج) عوام بر این باورند که خروس بی‌محل شوم است و باید سرش را برید تا آن شومی رفع شود. نظامی نیز در شرف‌نامه به این باور اشاره کرده است.

خروسی که بیگه نوا برکشید
سرش را پگه باز باید برید
(نظامی، ۱۳۸۱: ۱۷۹)

هدایت معتقد است که باید چنین خروسی را کشت یا به دیگری بخشید. در غیر این صورت صاحبش می‌میرد. (ر.ک: هدایت، ۱۳۵۶: ۹۳)

روباه

جانوری از خانوادهٔ سگسانان، پستاندار، وحشی و گوشتخوار است. پوستی نرم، پرمو و دمی بزرگ و انبوه دارد و به رنگ‌های سرخ و سیاه و خاکستری و زرد وجود دارد. (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه) در باورهای مردم روباه مکار و حیله‌گر است. نظامی نیز از این باور در خسرو و شیرین استفاده کرده و گفته است: مانند شیران با چنگ و دندان بجنگ و مانند روباه مکر و فریب در پیش نگیر.

چو شیران ز سرپنجه بگشای چنگ

چو روبه میارای خود را به رنگ
(نظامی، ۱۳۸۱: ۳۲)

در بیت زیر نیز دنبه پروردن کنایه از حيله به کار بردن است. وحید دستگردی در حاشیه شرف‌نامه درباره مأخذ کنایه ذکر شده می‌نویسد: صیادان قدیم دنبه را به گونه‌ای در تله قرار می‌دادند تا با آن شکار را بفریبند.

چو شیران به پرخاش خو کرده‌ام نه چون روبهان دنبه پرورده‌ام
(نظامی، ۱۳۸۱: ۴۴۰)

سمندر

جانور معروفی است که در آتش نمی‌سوزد و گفته شده که در آتش متکون می‌شود و وقتی از آتش بیرون می‌آید می‌میرد و آن را سامندر نیز گفته‌اند. (ر.ک: هدایت، ۱۳۵۶: ۱۳۲) نظامی در بیت زیر به کهن بودن سمندر و راه رفتن وی در آتش اشاره می‌کند.

سمندر چو پروانه آتش‌رو است ولیک این کهن لنگ و آن خوش‌رو است
(نظامی، ۱۳۸۱: ۲۲۲)

بهروز ثروتیان در شرح این بیت می‌نویسد: سمندر مانند پروانه به سوی آتش می‌رود، با این تفاوت که پروانه در آتش می‌سوزد، ولی سمندر در آتش خوش می‌رود. به نظر ثروتیان این تمثیلی است از اینکه همه می‌میرند، ولی فقرا آسان‌تر از اغنیا جهان را ترک می‌کنند. (ر.ک: ثروتیان، ۱۳۶۸: ۶۷۹)

شیر

متنوع‌ترین باورهای حیوانات در خمسه مربوط به شیر است که در ذیل به باورهای که نظامی درباره شیر آورده اشاره می‌شود:

الف) شیر سلطان جنگل است. کمال‌الدین دمیری در این باره می‌گوید: از اشرف حیوانات وحشی است و به خاطر قدرت و شجاعت و بی‌رحمی و جسور بودن و بدخویی، نسبت به آنها حالت سلطان دارد. (ر.ک: دمیری، ۱۳۶۶: ج ۱/ ۳)

دد و دام را شیر از آن است شاه که مهمان‌نواز است در صیدگاه
(نظامی، ۱۳۸۱: ۱۴۸)

ب) بسیار شجاع است و این برجسته‌ترین ویژگی شیر است و از این رو در ادبیات فارسی شیر به‌عنوان صفت برای دلیران و پهلوانان به کار رفته است.

شه شیردل، خسرو پیلتن دران داوری گفت با خویشتن
(نظامی، ۱۳۸۱: ۳۴۵)

ج) شیر از آتش می‌ترسد: با آنکه شیر مظهر شجاعت است، نقطه‌ضعفی دارد، اینکه از آتش می‌ترسد.

کرد ازان شیر آتشین بیشه همچو شیران ز آتش اندیشه
(نظامی، ۱۳۸۰ الف: ۸۰)

د) تلخی گوشت شیر: قداما بر این باور بودند که گوشت شیر تلخ‌مزه است، به همین دلیل دیگر حیوانات او را نمی‌خورند.

شیر مگر تلخ بدان گشت خود کز پس مرگش نخورد دام و دد
(نظامی، ۱۳۸۰ ب: ۱۳۶)

ه) شیوه شیر در شکار گوزن: وحیددستگردی در حاشیه مخزن الأسرار می‌نویسد: یکی از باورها درباره شیر در شکار گوزن این است که بر اطراف چشمه آب از لعاب بدبوی دهان خود می‌ریزد و در گوشه‌ای کمین می‌کند. گوزن تشنه برای خوردن آب می‌رسد، ولی چون سیراب شود، بوی گند دهان او را استشمام می‌کند، از کار می‌افتد، پس شیر از کمین جسته و حیوان را شکار می‌کند. (ر.ک: نظامی، ۱۳۸۰ ب: ۱۱۳)

شیر تنید است در این ره لعاب سر چو گوزنان چه نهی سوی آب
(نظامی، ۱۳۸۰ ب: ۱۱۳)

طاووس

طاووس پرنده‌ای است معروف از پرندگان بلاد عجم. این پرنده در میان سایر پرندگان، مانند اسب است بین سایر چارپایان از حیث ارجمندی و زیبایی. صفات عفت، خودپسندی، تکبر، در پر خویش به شگفتی نگریستن، از دم خویش طاق بستن به‌ویژه هنگامی که جفت وی ناظر و

متوجه به سوی اوست، همه در وی جمع می‌باشد. (ر.ک: دمیری، ۱۳۶۶: ج ۱ / ۶۵۰) طبق باور عامه طاووس پرنده بهشتی است. (ر.ک: ماسه، ۱۳۵۵: ج ۱ / ۳۴۳) و با همه زیبایی این پرنده را به فال بد می‌گیرند؛ زیرا طاووس سبب ورود ابلیس به بهشت و فریب دادن آدم و حوا شد. (ر.ک: یاحقی، ۱۳۶۹: ۲۹۳)

چو طاووس بهشت آید پدیدار
به جای حلقه دربانی کند مار
(نظامی، ۱۳۸۴: ۴۴۸)

فیل

جانوری بزرگ که اصلش از هندوستان است. این حیوان عزیزالنفس است و کبر و نخوت دارد و لجاجت و کینه‌ورزی او معروف است. (ر.ک: طوسی، ۱۳۴۵: ۵۴۵)

الف) فیل و یاد هندوستان: عوام بر این باورند که «فیل همیشه از هندوستان یاد می‌کند؛ برای همین باید دائم بر سر او با کلنگ یا چکش بزنند.» (هدایت: ۱۳۵۶: ۱۰۲) نظامی به این باور اشاره کرده است:

هندو ز چه مغز پیل خارد؟
تا هندوستان به یاد نارد
(نظامی، ۱۳۸۹: ۸۸)

ثروتیان در شرح این بیت می‌نویسد: هنگام راندن فیل مدام با تبری بر سر او می‌کوبند تا یاد هندوستان نکند. ای مجنون! تو نیز مدام بر سر خود بکوب تا لیلی را به یاد نیاوری. در این بیت مثل «یاد هندوستان کردن» کنایه از «نافرمانی کردن» است. (ر.ک: نظامی، ۱۳۶۶: ۱۱۹)

ب) کم بودن عمر فیل در پارس: عمر فیل در سرزمین پارس کم است. (ذ.ک: نظامی، ۱۳۸۱: ۳۶۶) و این به احتمال زیاد به دلیل شرایط آب‌وهوایی منطقه پارس است.

کژدم (عقرب)

کژدم که به عربی آن را عقرب خوانند، جانوری گزنده از رده عنکبوتیان است.

الف) بر طبق باور عامه کژدم چشم و گوش ندارد و بدون چشم خلق شده است. (ر.ک: شمیسا، ۱۳۷۷: ۸۳۴)

ولیکن چو عقرب به هنگام هوش نه سوراخ چشم و نه سوراخ گوش

(نظامی، ۱۳۸۱: ۹۹)

نظامی در این بیت می‌گوید آشنایانی که خویی بیگانه دارند، موقع خشم، مانند کژدم نه گوششان می‌شنود و نه چشمشان می‌بیند و فقط نیش می‌زند. شاعر در این بیت با توجه به این باور بیدادگری کینه‌ورزان را بسیار زیبا بازگو می‌کند.

ب) کرفس و کژدم‌زده: هرچند برخی از گیاهان خاصیت درمانی دارند، اما مصرف آنها در مواقع خاص و با بیماری‌هایی که سازگاری ندارد، نتیجه‌ای نامطلوب به دنبال دارد و حتی گاهی سبب مرگ می‌شود. کرفس از این گیاهان است. ابن‌سینا درباره این گیاه می‌گوید: «از تره‌های بستانی معروف و جزء سبزی‌های خوردنی است و انواع و اقسام دارد. ریشه و برگ و میوه و تخم آن خاصیت دارویی دارد. اطبای قدیم آن را مسکن درد و معرق (عرق‌آور) و معالج سرفه و تنگی نفس دانسته‌اند و بعضی نیز گفته‌اند، وقتی که بیم گزش کژدم باشد نباید خورد، که اگر عقرب کرفس خورده کارش به دشواری می‌کشد.» (ابن‌سینا، ۱۳۶۳: ۱۹۱) هروی نیز معتقد است خوردن کرفس قبل و بعد از گزیدن عقرب و جانوران زهردار باعث سرعت تأثیر سم می‌گردد. (ر.ک: هروی، ۱۳۷۱: ۲۶۲)

زهریست به قهر نفس دادن کژدم‌زده را کرفس دادن

(نظامی، ۱۳۸۹: ۸۸)

ج) سیسنبر و کژدم: بنابه سخن نظامی یکی از خواص مهم این گیاه این است که برای دفع نیش کژدم مفید است. شاید این به دلیل خاصیت گرم و خشک و حرارت ذاتی این گیاه باشد.

ریخته نوش از دم سیسنبری بر دم این عقرب نیلوفری

(نظامی، ۱۳۸۰: ۱۶۰)

وحید دستگردی در شرح این بیت می‌نویسد: «از دم سیسنبری او (پیامبر)، دم عقرب فلک از نحوست و گزیدن باز ماند.» (نظامی، ۱۳۸۰: ۱۶) ثروتیان در شرح مخزن الأسرار درباره این بیت می‌گوید: «طبق احکام نجوم، برج عقرب را نماینده حشرات زیانکاری و بسیار همچون

عقرب، زنبور، هزارپا، رطیل می‌دانستند.» (ثروتیان، ۱۳۷۰: ۳۳-۱۳۲) همان‌طور که نظامی هم بدان اشاره کرده است:

بوی سیسنبز از حرارت خویش عقرب چرخ را گداخته نیش
(نظامی، ۱۳۸۰ الف: ۳۱۸)

د) کژدم حیوانی بدگهر است: نظامی در اقبال‌نامه به این باور اشاره می‌کند که کژدم بدگهر است؛ بنابراین کشتن آن هنر محسوب می‌شود:

کژدم از راه آنکه بدگهر است ماندنش عیب و کشتنش هنر است
(نظامی، ۱۳۸۵: ۱۸۹)

درباره ذات بد این حیوان گفته شده «لعن الله العقرب فإنه مودی فی الأرض کان أم فی السماء.» (قزوینی، بی تا: ۳۹۷)

گاو

جانوری مبارک و خجسته که در عربی ثور نامیده می‌شود و قوام عالم بدان است؛ به این دلیل که زمین را شخم زند و با آن کشت و زرع کنند. (ر.ک: طوسی، ۱۳۴۵: ۵۵۲)

الف) گاو و خرمهره: عوام برای دور نگه داشتن گاو از آفت چشم‌زخم به گردنش خرمهره می‌آویختند.

با سپر افکندن او لشکرش تیغ کشیدند به قصد سرش
گاو که خرمهره به او درکشند چونکه بیفتد همه خنجر کشند
(نظامی، ۱۳۸۰ ب: ۸۶)

یعنی با سپر افکندن و شکست خورشید، لشکر ستارگان به قصد کشتن وی از نو تیغ کشیدند. این رسم روزگار است، برای دور نگه داشتن گاو از چشم زخم، به گردنش خرمهره آویزان می‌کنند، باین‌همه حرمت، وقتی به زمین می‌افتد و توان بلند شدن ندارد، خنجر می‌کشند و سر از تنش جدا می‌کنند.

ب) قرار داشتن زمین بر روی شاخ گاو: قدما معتقد بودند زمین بر روی شاخ گاو قرار دارد و گاو بر پشت ماهی و آن ماهی در دریا شناور است. (ر.ک: سجادی، ۱۳۸۲: ۳۵۰)

ز بس کوهه گاو و ماهی چو کوه شده در زمین گاو و ماهی ستوه
(نظامی، ۱۳۸۱: ۳۰۶)

گرگ

در بندهش «گرگ از جانوران اسطوره‌ای که آفریده اهریمن است.» (فرنبرگ‌دادگی، ۱۳۶۹: ۹۹)

مهم‌ترین باور درباره این حیوان در خمسه نظامی کعب گرگ است. کعب گرگ مهره‌ای را گویند که آن را شاطران و قاصدان به پای خود می‌بستند و گمان می‌کردند هرکسی آن را بر پای خود ببندد، همچون گرگ، هر اندازه بدود، خسته و مانده نمی‌شود. (ر.ک: معین، ۱۳۶۲: ذیل کعب) در بیت زیر از نظامی پیکان به معنای قاصد نیز می‌تواند باشد.

ز خردان بسی فتنه آید بزرگ که در پای پیکان بود کعب گرگ
(نظامی، ۱۳۸۱: ۳۴۴)

یعنی استخوان کوچک کعب گرگ اگر در پای فرو برود، از شدت رنج و زحمت، مثل پیکان است. به سخن وحید دستگردی در حاشیه شرف‌نامه معروف است که استخوان گرگ زهرناک است و اگر از آن زخمی بر کسی وارد شود، به‌سختی می‌توان آن را علاج کرد. (ر.ک: نظامی، ۱۳۸۱: ۳۴۴)

گوزن

اطبای قدیم ترشحات جوف گودال چشم گوزن و گاو کوهی را یکی از پادزهرهای سموم حیوانی می‌دانستند و آن را به‌اندازه تریاق مفید محسوب می‌کردند و به همین سبب گاهی دیده می‌شود که آن را تریاق گوزن یا تریاق گاو کوهی نامیده‌اند. (ر.ک: ماهیار، ۱۳۸۴: ۲۷۴) «چرکی که در گوشه چشم گوزن جمع می‌شود در رفع سموم حیوانی قوی‌تر از تریاق فاروق است و اگر مقدار

یک حبه از آن را حل کرده، در دهان نوزادی که تازه به دنیا آمده و هنوز شیر نخورده بریزند آن طفل در طول زندگی از آسیب حیوانات گزنده در امان می‌ماند و مار با دیدن او سست شده از حرکت بازمی‌ماند.» (حسینی، ۱۳۷۳: ۱۳۱) در بیت زیر شیرین می‌گوید: گوزن اگر این چشم چالاک مرا ببیند، از روی حسرت، از دیده به‌جای پادزهر، زهر می‌ریزد.

گوزن از حسرت این چشم چالاک ز مژگان زهر پالاید، نه تریاک
(خسرو و شیرین، ۳۱۶)

مار

در خمسه نظامی دربارهٔ مار همچون شیر باورهای متعددی وجود دارد که در ذیل بررسی می‌شود: الف) مار با گذشت زمان به اژدها تبدیل می‌شود. بنابه نظر یاحقی، در باورهای عامیانه مارهای کهنسال و بزرگ را اژدها گویند. (ر.ک: یاحقی، ۱۳۶۹: ۳۸۹) نظامی نیز در این باره می‌گوید: «وز کهنی مار شود اژدها» (نظامی، ۱۳۸۰: ۱۴۲) نظامی در این بیت به این باور عامیانه اشاره کرده است که ماری که پیر شود تبدیل به اژدها می‌شود.

ب) مهرهٔ مار: تعدادی از مارها نوعی سنگ معدنی یا مهره تولید می‌کنند که بیماری و چشم زخم را دفع می‌کند. (ر.ک: ماسه، ۱۳۵۵: ج ۱/ ۳۵۷)؛ چراکه «باور داشتن چشم‌زخم انسان را به تکاپو می‌اندازد تا برای دفع آن کاری بکند.» (زنگانه و مهرکی، ۱۳۹۹: ۱۳۴) به عقیدهٔ طوسی اگر مهرهٔ مار را بسایند و بر جایگاه زهر قرار دهند، زهر به بیرون کشیده می‌شود. (ر.ک: طوسی، ۱۳۴۸: ۱۴۲)

با همه زهرم فلک او میداد مار شبنم مهره خورشید داد

(نظامی، ۱۳۸۰: ۱۱۱)

همچنین در ایجاد محبت و مهر دلدادگان نافع دانسته‌اند، چنانکه نظامی هم بدان اشاره کرده است:

گر از من می‌بری چون مهره از مار من از گل باز می‌مانم تو از خاک

(نظامی، ۱۳۸۴: ۲۸۷)

نگه داشتن مهره مار سبب دولت و سعادت می‌شود:

دو مار از برای تو توفیر سنج یکی مار مهره یکی مار گنج

(نظامی، ۱۳۸۱: ۱۰۲)

(ج) گفته شده مار در زمستان از سوراخ خود بیرون نمی‌آید و خاک می‌خورد. (نظامی، ۱۳۸۹: ۱۶۰)

مار صفت شد فلک حلقه‌وار خاک خورد مار سرانجام کار

(نظامی، ۱۳۸۰: ۱۱۷)

(د) مار و گنج: طبق باوری خرافی در جایی که مار هست، گنج هم وجود دارد. «مقامگاه ساختن مار در ویرانه، یعنی جاهایی که پیش از بروز حوادث طبیعی و غیر طبیعی و مهم‌تر از همه اینها، جنگ‌ها و غارت‌های ناگهانی، روستاها و شهرهایی آبادان بوده‌اند و زمین‌شان مخفیگاه ثروت مردم، این خزنده اسطوره‌ای را با گنج مربوط می‌کند.» (امیری خراسانی، ۱۳۸۴: ۲۱)

خاک بی‌خسف لا‌أبالی نیست گنج‌دانش ز مار خالی نیست

(نظامی، ۱۳۸۰ الف: ۳۶۰)

گنج نشین مار که درویش نیست از سر تا دم کمری بیش نیست

(نظامی، ۱۳۸۰: ۱۱۰)

نظامی با توجه به باور عامیانه کهن خوابیدن مار بر سر گنج گفته، مار چون سر تا پا کمربند خدمت شده، به همین دلیل گنج‌نشین شده است.

(ه) ناسازگاری مار با دیگر موجودات: نظامی در مصرع «نساویم چون مار با هیچ کس» (نظامی، ۱۳۸۵: ۱۸۷)، به این باور اشاره می‌کند که مار با دیگر موجودات سازگاری ندارد و با توجه به آن خود را در مردم‌گریزی به مار تشبیه می‌کند.

هما

پرنده‌ای افسانه است که فرخنده‌فال و پیک سعادت پنداشته شده است. قدما بر این باور بودند که مرغی است که استخوان می‌خورد و جانوری را نمی‌آزارد و بر سر هر کسی بنشیند، پادشاه شود.

(ر.ک: یاحقی، ۱۳۶۹: ۴۵۱) آنچه در مورد این پرنده مورد توجه نظامی قرار گرفته سه ویژگی است.

الف) فرخ است و سایه‌اش مایهٔ سعادت و خوشبختی است.

مرغی که همای نام دارد چون فرخی تمام دارد؟
این مرغ که مهر تست مایه‌ش نشگفت که فرخ است سایه‌ش
(نظامی، ۱۳۸۹: ۳۷)

نظامی با اشاره به این باور می‌گوید: آیا دیده‌ای که چطور سایهٔ هما سعادت می‌بخشد؟ مرغ وجود نظامی نیز که مهر ممدوح سرمایه اوست، اگر سایه‌اش فرخ باشد، جای شگفتی و تعجب نیست.
ب) هرکه استخوان یا پری از هما را به همراه داشته باشد، هیچ‌کس توانایی ندارد او را از پای درآورد. (ر.ک: یاحقی، ۱۳۶۹: ۴۵۱) نظامی در بیت زیر علت سرعت بیش از حد اسب شیرین را در این می‌داند که در زیر هر پایش پر هما بسته شده بود.

بدان پرنده‌گی زیرش همایی پری می‌بست در هر زیر پایی
(نظامی، ۱۳۸۴: ۱۰۷)

ج) استخوان‌خوار است: گفته شده هما استخوان‌ها را از روی زمین می‌رباید و بر روی صخره‌ها رها می‌کند و پس از خورد شدن آنها را می‌خورد. (ر.ک: معین، ۱۳۶۲: ذیل واژه)

چو این سبز طاووس جلوه‌نمای سپید استخوانی ربود از همای
(نظامی، ۱۳۸۱: ۳۳۹)

د) گوشه‌نشین است: از دیگر باورها دربارهٔ این پرنده این است که از چشم خلق دور است. سید صادق گوهرین در منطق الطیر گفته، عزلت و گوشه‌نشینی را به این پرنده نسبت داده‌اند. (ر.ک: عطار نیشابوری، ۱۳۷۱: ۳۱۷) نظامی نیز در بیت زیر خود را در نادر بودن و از چشم خلق دور بودن به هما مانند کرده است.

به خود کم شوم خلق را رهنمای همایون به کم دیدن آمد همای
(نظامی، ۱۳۸۱: ۴۴)

در ذیل جدول بسامدی حیوانات و پرندگان ترسیم می‌شود:

جدول (۱) بسامد باورهای مربوط به حیوانات در خمسه نظامی

ردیف	نام حیوان	بسامد	درصد
۱	آهو	۱	۰/۴۰
۲	اسب	۲	۰/۸۰
۳	افعی	۳	۱/۲۱
۴	خرگوش	۱۰	۴/۰۴
۵	روباه	۵	۲/۰۲
۶	شیر	۴۱	۱۶/۵۰
۷	فیل	۵	۲/۰۲
۸	کژدم	۱	۰/۴۰
۹	گاو	۱۷	۶/۸۸
۱۰	گرگ	۱	۰/۴۰
۱۱	گوزن	۱	۰/۴۰
۱۲	مار	۷۲	۲۹/۱۴
۱۳	اژدها	۸۷	۳۵/۲۲
۱۴	سمندر	۲	۰/۸۰
۱۵	جمع کل	۲۴۷	۱/۱۰۰

جدول (۲) بسامد باورهای مربوط به پرندگان در خمسه نظامی

ردیف	نام حیوان	بسامد	درصد
۱	جغد	۶	۱۸/۱۸
۲	خروس	۵	۱۵/۱۵
۳	طاووس	۲	۶/۰۶
۴	هما	۲۰	۶۰/۶۰
۵	جمع کل	۳۳	۰/۱۰۰

زیبایی‌شناسی تصاویر جانوران در خمسه نظامی

تأثیر و خیال‌انگیزی شعر در گرو عوامل متعددی است که صورخیالی همچون تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه و گاه تمثیل از آن جمله‌اند. این عوامل با زیبا نمودن اثر ادبی، انتقال پیام را به مخاطب تسهیل می‌کنند. نظامی نیز از تشبیه، استعاره، کنایه و تمثیل در تصویرسازی و زیبایی بخشیدن به باورها و تصاویر مربوط به جانوران بهره برده است. در جدول زیر بسامد هریک از این عناصر خیال‌انگیز ذکر می‌شود.

جدول (۳) بسامد عناصر خیال‌انگیز در کاربرد نام جانوران در خمسه نظامی

ردیف	نام حیوان	تشبیه	استعاره	کنایه	تمثیل
۱	آهو	۴۱	۸	۱۶	۱
۲	ازدها	۵۳	۴	۳۸	۸
۳	اسب	۹	-	۲۴	۲
۴	افعی	۱	۱	۲	۱
۵	جغد	-	-	۲	۱
۶	خرگوش	-	۱	۷	۱
۷	خروس	۴	-	۴	۷
۸	روباه	۱۵	۱	۱۹	۲۴
۹	سمندر	۱	-	-	-
۱۰	شیر	۲۱۳	۱۴	۱۵۶	۶۰
۱۱	طاووس	۲۷	۸	۱	۵
۱۲	فیل	۴۵	-	۴۹	۲۳
۱۳	کژدم	۳	-	-	۵
۱۴	گاو	۱۹	۹	۲۵	۶
۱۵	گرگ	۳۱	-	۴۳	۲۵

ردیف	نام حیوان	تشبیه	استعاره	کنایه	تمثیل
۱۶	گوزن	۴	-	۴	۸
۱۷	مار	۸۴	۳۴	۱	۱۶
۱۸	هما	۱۲	۲	۸	۱
۱۹	جمع کل	۵۶۲	۸۲	۳۹۹	۱۹۴

تشبیه

تشبیه یادآوری همانندی و شباهتی است که از جهتی یا جهاتی میان دو چیز مختلف وجود دارد. (ر.ک: شفیع کدکنی، ۱۳۸۰: ۵۳) در همه این موارد اگرچه نیاز درونی شاعر، ضرورت ایجاد همانندی را خودبه‌خود وارد صحنه خیال می‌کند، ولی ذوق و استعداد هنری وی در این کشف و همانندی نقش اساسی دارد و راز همانندی گاهی به صورت غریزی با مشاهده یک منظره، همانند آن را در فضای خیال می‌آفریند. (ر.ک: ثروتیان، ۱۳۶۹: ۳۸)

نظامی در بیت زیر زر را به آهوئی مانند کرده که سخن او را شکار کرده و به فتراک خود بسته است.

سیم سخن زن که درم خام اوست زر چه سگ است، آهو فتراک اوست
(نظامی، ۱۳۸۰: ۴۰)

شاعر در خسرو و شیرین در تشبیهی مضمرب اسب را به خاطر سرعت و تند رفتن به پرنده تشبیه کرده است.

سرانجام اسب را پرواز دادند عنان خود به مرکب باز دادند
(نظامی، ۱۳۸۴: ۷۴)

و در بیتی دیگر آن را در سریع تاختن به عقاب مانند کرده است:

نه اسبی عقابی برانگیخته نه تیغی نهنگی درآویخته
(نظامی، ۱۳۸۱: ۴۴۳)

در نمونه‌ای دیگر نظامی در اضافه‌ای تشبیهی عنان را به اژدها مانند کرده است:

نوش بخشد به مهره مار سنان مار گیرد به اژدهای عنان

(نظامی، ۱۳۸۱: ۱۳۱)

نظامی در بیتی از شرفنامه در تشبیهی تفضیلی اسبی را که خاقان چین به اسکندر هدیه داده است به سمندر مانند کرده است:

سمندی نگویم، سمندر فشی سمندر فشی نه! سکندر کشی

(نظامی، ۱۳۸۱: ۴۴۳)

ترکیب شیر اجل در بیت زیر از لیلی و معجون تشبیه بلیغ اضافی است:

تا شیر اجل چو زحمت آرد بر عاجزی تو رحمت آرد

(نظامی، ۱۳۸۹: ۱۷۰)

و در تشبیه بلیغی دیگر چرخ را به پیل مانند می‌کند:

خاک را پیل چرخ کرده مفاک به چنین پیل گل ندارد باک؟

(نظامی، ۱۳۸۰ الف: ۴۹)

در دو تشبیه بلیغ گاوچشم و گاودم، چشم در درشتی و سیاهی (=زیبایی) و دم در زشتی به گاو مانند شده است.

سیم ساقی شده گراز سمی گاو چشمی شده به گاو دمی

(نظامی، ۱۳۸۰ الف: ۲۶۳)

و در تشبیه زیبای دیگر شاعر معجون را یک‌بار به مار و یک‌بار به گرگ تشبیه کرده و گفته است: همان‌گونه که مار از سنگ و گرگ از چوبدستی می‌ترسد، معجون هم از غم و اندوه هراس داشت و می‌ترسید.

ز غم ترسان ز هوشیاری و مستی چو مار از سنگ و گرگ از چوبدستی

(نظامی، ۱۳۸۹: ۲۲۴)

شاعر در ترکیب خروس صراحی طی تشبیهی بلیغ صراحی را به خروس تشبیه کرده است.

خروس صراحی درآمد به جوش خروش از سر خم همی گفت بنوش

(نظامی، ۱۳۸۱: ۲۵۶)

تشبیه بلیغ همای عشق از دیگر نمونه‌های کاربرد زیبایی‌شناسانه جانوران در خمسه نظامی

است:

شبانگه کان شکر لب باز می‌گشت همای عشق بی‌پرواز می‌گشت

(نظامی، ۱۳۸۴: ۱۲۵)

استعاره

در اصطلاح علم بیان استعاره، عاریه گرفتن لفظ از معنی حقیقی و استعمال آن در معنی مجازی

و هنری به علاقه شباهت با وجود قرینه صارفه است. (ر.ک: گلی، ۱۳۸۸: ۱۵۱)

«شلی» شاعر رمانتیک انگلیسی درباره اهمیت زبان استعاری، چنین می‌گوید: «زبان بالضروره

استعاری است؛ یعنی روابط قبلاً ناشناخته اشیا را نشان می‌دهد و شناخت آنها را تداوم

می‌بخشد، تا اینکه کلماتی که آنها را نشان می‌دهند، به جای اینکه نشانه‌هایی برای تصاویر

فکرهای کامل باشند، به‌مرور نشانه‌هایی می‌شوند برای اجزا و درجات فکر، و بنابراین اگر

شاعران نو به خلق مجدد تداعی‌هایی که از هم پاشیده‌اند، اقدام نکنند، زبان کارایی خود را نسبت

به اهداف اصیل‌ترش یعنی گفتگو و معاشرت انسان‌ها از دست می‌دهد.» (ریچاردز، ۱۳۸۲:

۱۰۰)

آهو در این بیت مشبه است و استعاره از یکی از ندیمان شاه است.

آهوی ورا به سگ نماید در نیش سگانش آزماید

(نظامی، ۱۳۸۹: ۱۷۰)

نظامی در خسرو و شیرین افعی را استعاره از گیسوی شیرین به کار می‌گیرد و می‌گوید:

وزین پس بر عقیق الماس می‌داشت زمرد را به افعی پاس می‌داشت

(نظامی، ۱۳۸۴: ۱۴۴)

استعاره بدیع و زیبای دنیا به خواب خرگوش از دیگر تشبیهات مربوط به جانوران است:

چو روباهان و خرگوشان منه گوش ز مرد را به افعی پاس می‌داشت

(نظامی، ۱۳۸۴: ۱۷۷)

شیر دیگر جانوری است که دستمایه استعارات نظامی گشته است. شیران سیاه در بیت زیر استعاره از پهلوانان و جنگاوران خشمگین تازی است:

شیران سیاه در دریدن دیوان سپید در دویدن

(نظامی، ۱۳۸۹: ۱۱۱)

و در بیتی از خسرو شیرین، شیر استعاره از خسرو است:

بسی کوشید تا شیرین به صد زور قضای شیر گشت از پهلوی گور

(نظامی، ۱۳۸۴: ۱۵۴)

گرگان پیر در بیت زیر استعاره از دشمنان نظامی هستند.

گر کنم اندیشه ز گرگان پیر یوسفیم بین و به من برمگیر

(نظامی، ۱۳۸۰: ۱۴۹)

در بیت زیر از خسرو و شیرین هما استعاره از خسرو و تدری استعاره از اسب وی است.

همایی دید بر پشت تدروی به یالای خدنگی رسته سروی

(نظامی، ۱۳۸۴: ۸۲)

کنایه

کنایه ترکیب یا جمله‌ای است که مراد گوینده معنای ظاهری آن نیست، ولی در آن قرینه‌ای صارفه که ما را از معنای ظاهری متوجه معنای باطنی کند، وجود ندارد؛ بنابراین، کنایه ذکر یک مطلب و دریافت مطلبی دیگر است. (ر.ک: شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۶۵)

شاعران صاحب سبک در دوره‌های پرآشوب و سیاه زمان خود، از آن‌رو به کنایه بیشتر تمایل نشان داده‌اند که کنایه بیشتر از هر صورت خیال‌انگیز دیگر با طبع محتاط هنرمند سازگار است. عبدالحسین زرین‌کوب معتقد است: «کثرت کنایه و رمز در آثار یک دوره غالباً نمودار غلبه حس

ترس است در آن دوره، بر احوال عام یا یک طبقه از جامعه.» (زرین‌کوب، ۱۳۶۳: ۶۳) در مصرع اول بیت زیر آهوتک کنایه از اسب مجنون است.

آهو تک خویش را بدو داد تا گردن آهوان شد آزاد

(نظامی، ۱۳۸۹: ۱۲۴)

در لغت‌نامه دهخدا، آهو هم کنایه از تیزتک و سریع‌الحرکت است و هم کنایه از اسب و هر مرکب تیزرو. (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه آهو)

در بیت زیر کژدم کنایه از نفس و اژدها کنایه از دیگر دشمنان (=دشمنان خارجی) انسان است.

خصمی کژدم بتر از اژدهاست کان ز تو پنهان بود این برملاست

(نظامی، ۱۳۸۰: ۱۶۸)

روبهان در این بیت از هفت پیکر کنایه از مدعیان تخت و تاج بهرام است:

بردن تاجش از میان دو شیر روبهان را ز تخت کرد به زیر

(نظامی، ۱۳۸۰: الف: ۹۸)

نظامی روباه زرد را در معنی کنایی آفتاب عالم‌تاب به کار می‌برد و می‌گوید:

چو شنگرف سودند بر لاجورد سمور سیه زاد روباه زرد

(نظامی، ۱۳۸۱: ۳۰۰)

و شیر کنایه از بهرام است. گویا در این بیت شاعر از قول پدر بهرام، آتش جوانی او را، بیشه شیر دانسته است.

کرد از آن شیر آتشین بیشه همچو شیران ز آتش اندیشه

(نظامی، ۱۳۸۰: الف: ۸۰)

پیل افکندن در بیت زیر کنایه فعل است از غرور و نخوت را ترک کردن و اظهار عجز کردن:

پیل بفرکن که سیل ره‌کنده است پیلکی‌های چرخ بین چند است

(نظامی، ۱۳۸۰: الف: ۴۹)

معنی بیت این است که از پیل غرور و تکبر پیاده شو و به ناتوانی خود اقرار کن؛ زیرا سیل، راه را کنده است و پیل نمی‌تواند از گودال بیرون برود. کارهای پیلانه فلک را بین تا چه اندازه است؟

در بیت زیر آشنایان دو رو و بیگانه‌خوی به کژدم تشبیه شده‌اند:

ولیکن چو کژدم به هنگام هوش نه سوراخ دیده، نه سوراخ گوش
(نظامی، ۱۳۸۱: ۹۹)

نظامی در بیت اخیر می‌گوید: آشنایان در هنگام کینه‌ورزی همانند کژدم نیش می‌زنند، بدون اینکه چشمانشان ببیند و گوش‌هایشان بشنود.

در این بیت نیز جغد نشانند کنایه فعل است از ویران کردن و ظلم نمودن.

جور نگر کز جهت خاکیان جغد نشانم بدل ماکیان
(نظامی، ۱۳۸۰: ۸۱)

معنی بیت چنین است: جور را ببین، در عوض آنکه رعیت را آسوده گردانم، خانه‌هایشان را ویران می‌کنم و به‌جای ماکیان، جغد در خانه‌هایشان قرار می‌دهم.

تمثیل

تمثیل تشبیهی است که صورت ظاهری آن از یک یا چند جمله تشکیل شده است و وجه شبه آن از مجموعه چند عنصر تصویرساز به وجود آمده است. نکته آخر اینکه درک تمثیل برخلاف تشبیه که ساده و سراسر است، احتیاج به تأویل کردن دارد؛ چون وجه شبه آن عقلی و غیرحقیقی است. (ر.ک: شیری، ۱۳۸۹: ۳۶) تمثیل بیانگر وجود اندیشه منظم و کمال‌یافته است. به نظر ولک وضعیت تمثیل مانند موقعیت دو خط موازی است که در کنار هم ادامه می‌یابند، ولی هرگز به هم نمی‌پیوندند. (ر.ک: ولک، ۱۳۷۷: ج ۱ / ۱۴۸) نظامی با استفاده از تمثیل، تصاویر زیبا و مضامین آموزنده‌ای خلق کرده است.

بیت زیر از مخزن الأسرار تمثیل هشداردهنده‌ای برای انسان‌هاست.

شیر تنیده است در این ره لعاب سر گوزنان چه نهی سوی آب

(نظامی، ۱۳۸۰: ۱۱۳)

گویند شیر برای شکار گوزن بر اطراف چشمه، آب از دهان خود لعاب می‌ریزد و در گوشه‌ای کمین می‌کند. همین که گوزن به کنار چشمه آمده، بوی گند دهان شیر را استشمام کند، از کار می‌افتد و بدین ترتیب شیر او را شکار می‌کند. (ر.ک: نظامی، ۱۳۸۰: ۱۱۳؛ نقل از وحید دستگردی)

در تمثیلی دیگر دربارهٔ کوچک نشمردن دشمن می‌گوید:

با همه خردی به قدر مایه زور میل کش بچه شیر است مور

(نظامی، ۱۳۸۰: ۱۱۳)

نظامی طی این تمثیل می‌گوید: دشمن را کوچک مبین؛ زیرا مور با همهٔ کوچکی و کم‌توانی، چشم بچه شیر را کور می‌کند.

نظامی در بیت زیر با استفاده از نام حیوانات گوناگون تمثیل زیبایی به کار برده و گفته: کرگدنی باید تا بتواند گردن فیل را بخورد و از مور این کار ساخته نیست و بیش از پای ملخ نمی‌تواند.

کرگدنی گردن پیلی خورد مور ز پای ملخی نگذرد

(نظامی، ۱۳۸۰: ۸۸)

شاعر در تمثیلی زیبا، ادعاکنندهٔ متکبر در راه سیر و سلوک و رهبری مردم را به کژدم مانند می‌کند و می‌گوید:

خصمی کژدم بتر از اژدهاست کاین ز تو پنهان بود، آن برملاست

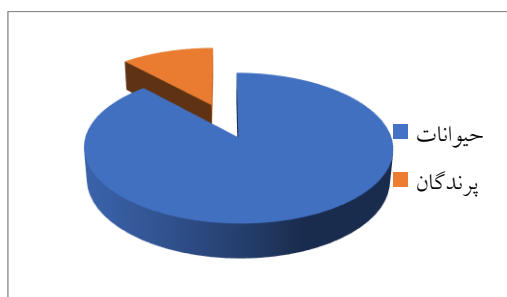
(نظامی، ۱۳۸۰: ۸۸)

و در تمثیلی دیگر مجنون را کژدم‌زده‌ای می‌داند که نباید به وی کرفس داد و منظور از کرفس اخبار مربوط به لیلی است. در این بیت ردپای یک باور طبیبی دیده می‌شود که طبق آن، کرفس برای مارگزیده مضر است.

در تمثیل زیر اعتقاد عامیانه خفتن مار بر سر گنج و نگهبانی کردن از آن دیده می‌شود و معنی بیت این است که چون مار، سر تا پا شبیه کمر بند خدمت شده، گنج‌نشین شده است. گنج‌نشین مار که درویش نیست از سر تا دم کمری بیش نیست (نظامی، ۱۳۸۰: ۱۱۰)

نتیجه

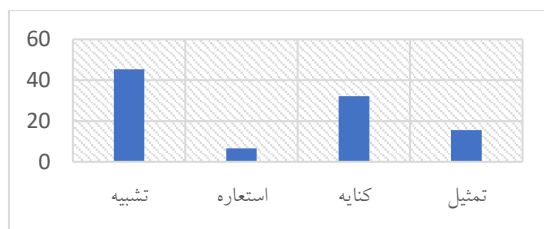
باورهای مربوط به جانوران اعم از حیوانات و پرندگان و حتی جانوران اساطیری و افسانه‌ای بخشی از فرهنگ عامه مردم را تشکیل می‌دهد و به عقاید انسان‌ها درباره آنها می‌پردازد. در خمسه نظامی حدود ۲۸۰ مورد باور عامیانه درباره جانوران یافت شد. از میان این باورها، ۲۴۷ باور آن معادل ۸۸/۲۱ درصد مربوط به حیوانات (آهو، اسب، افعی، خرگوش، روباه، شیر، فیل، کژدم، گاو، گرگ، گوزن، مار، اژدها و سمندر) و ۳۳ مورد معادل ۱۱/۷۸ درصد، مربوط به پرندگان (جغد، خروس، طاووس و هما) است که بیانگر کاربرد فراوان باورهای حیوانات نسبت به پرندگان است.



نمودار (۱) فراوانی باورهای حیوانات و پرندگان در خمسه نظامی

بیشترین بسامد کاربرد باورهای جانوران در خمسه نظامی به ترتیب مربوط به اژدها (۸۷مورد)، مار (۷۲ مورد)، شیر (۴۱مورد) و هما (۲۰مورد) بوده است. نظامی توان بسیار بالایی در تصویرآفرینی و خیال‌انگیز نمودن تصاویر مربوط به جانوران اعم از حیوانات و پرندگان داشته است. از میان ۱۲۳۷ مورد عوامل زیبایی‌شناسانه مورد بررسی در این جستار، ۵۶۲ مورد معادل

۴۵/۴ درصد مربوط به تشبیه، ۸۲ مورد معادل ۶/۶ درصد مربوط به استعاره، ۳۹۹ مورد معادل ۳۲/۲ درصد مربوط به کنایه و ۱۹۴ مورد معادل ۱۵/۶ درصد مربوط به تمثیل بوده است.



نمودار (۲) فراوانی عناصر صورخیال در خمسه نظامی

فهرست منابع و مآخذ

الف) کتاب‌ها:

قرآن کریم

آریان‌پور، منوچهر، فرهنگ انگلیسی به فارسی، چاپ ششم، تهران: انتشارات جهان‌رایانه، ۱۳۸۵.

ابن‌سینا، حسین‌بن‌عبدالله، قانون در طب، ترجمه عبدالرحمن شرف‌کندی هه‌زار، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۳.

ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد، الجماهر فی معرفه الجواهر، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.

پارسا، محمد، زمینه روان‌شناسی نوین، چاپ اول، تهران: انتشارات بعثت، ۱۳۸۳.

ثروتیان، بهروز، بیان در شعر فارسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات برگ، ۱۳۷۹.

جاحظ، عمرو بن بحر، الحيوان، الطبعه الثاني، بيروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.

جمعی از نویسندگان، روایت پهلوی، ترجمه مهشید میرفخرایی، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات

فرهنگی تهران، ۱۳۶۷.

حسینی، محمد مؤمن، تحفه حکیم مؤمن یا تحفه المؤمنین، مقدمه دکتر محمود نجم‌آبادی، چاپ دوم، تهران:

کتابفروشی مصطفوی، ۱۳۷۳.

دمیری، کمال الدین محمد بن موسی، حیاة الحيوان الكبرى، الطبعه الثاني، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۶.

دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

روشبلابو، آن ماری؛ بورفیون، ادیل، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه سیدمحمد دادگران، چاپ دوم، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۷۱.

ریچاردز، آی. آ. فلسفه بلاغت، ترجمه علی محمدی آسیابادی، چاپ اول، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۲.

زرین کوب، عبدالحسین، شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۳.

شفیعی کدکنی، محمدرضا، صور خیال در شعر فارسی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۸۰.

شمیسا، سیروس، بیان، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۶.

_____ فرهنگ اشارات ادبیات فارسی، چاپ اول، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۷.

طبری‌آملی، محمدبن جریر، تاریخ بلعمی، چاپ اول، تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۷.

طوسی، محمدبن‌محمد (خواجه نصیرالدین)، تنسوخ‌نامه ایلخانی، چاپ اول، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸.

طوسی، محمدبن‌محمودبن‌احمد، عجایب المخلوقات، به اهتمام منوچهر ستوده، چاپ اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵.

عطار نیشابوری، فریدالدین محمد. منطق‌الطیر، تصحیح صادق گوهرین. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.

فرنیخ‌دادگی، بندهش، گزارش مهرداد بهار، چاپ اول، تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۹.

قزوینی، زکریابن‌محمدبن‌محمود، عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات، تصحیح نصرالله سبوحی، چاپ اول، تهران: کتابخانه مرکزی ناصر خسرو، بی‌تا.

گلی، احمد، بلاغت فارسی (معانی و بیان)، چاپ دوم، تبریز: انتشارات آیدین، ۱۳۸۸.

ماسه، هانری، معتقدات و آداب ایرانی، ترجمه مهدی روشن‌ضمیر، چاپ اول، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۵۵.

ماهیار، عباس، شرح مشکلات خاقانی، پنج‌نوش سلامت، دفتر چهارم، چاپ اول، کرج: انتشارات جام گل، ۱۳۸۴.

معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، چاپ پنجم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.

نظامی گنجوی، الیاس‌بن‌یوسف، هفت پیکر، شرح و تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ چهارم، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۰ الف.

_____ شرف‌نامه، شرح و تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ چهارم، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۱.

_____ خسرو و شیرین، شرح و تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ ششم، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۴.

_____ اقبال‌نامه، شرح و تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ ششم، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۵.

_____ لیلی و مجنون، شرح و تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان. تهران: نشر قطره، ۱۳۸۹.

_____ مخزن‌الأسرار، شرح و تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ پنجم، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۰.

_____، شرف‌نامه، تصحیح و شرح بهروز ثروتیان، چاپ اول، تهران: توس، ۱۳۶۸.

_____ مخزن‌الأسرار، تصحیح و شرح بهروز ثروتیان، چاپ اول، تهران: انتشارات برگ، ۱۳۷۰.

_____ لیلی و مجنون، تصحیح و شرح بهروز ثروتیان، چاپ اول، تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۶.

ولک، رنه، تاریخ نقد جدید، ترجمه سعید ارباب شیرانی، چاپ دوم، تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۷.

هدایت، صادق، فرهنگ عامیانه مردم ایران، چاپ دوم. تهران: نشر چشمه، ۱۳۷۸.

_____ نیرنگستان، چاپ دوم، تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۵۶.

هروی، ابومنصور، الابنیه عن الحقایق الأدویه، تصحیح احمد بهمنیار، به کوشش محبوبی اردکانی، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.

همدانی، محمدمین‌محمود، عجایب‌نامه، ویرایش جعفر مدرس صادقی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۵.

ب) مقالات:

امیری خراسانی، احمد، «باورهای خرافی مردم آکراین»، مجله مطالعات ایرانی، سال ۲، شماره ۳، ۱۳۸۲، صص ۲۲-۱.

زنگانه، حسین؛ مهرکی، ایرج، «خاقانی و باورهای عامیانه درباره جانوران»، فصلنامه تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، دوره ۱۲، شماره ۴۴، ۱۳۹۹، صص ۱۶۱-۱۲۷.

شیری، قهرمان، «تمثیل و تصویری نو از کارکردها و انواع آن»، نشریه کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۱۱، شماره ۲۰، ۱۳۸۹، صص ۵۴-۳۳.

Investigating public beliefs and beliefs related to animals and the aesthetics of their images in Khamse Nezami

Ashraf Naji^۱, Reza Fahimi Ph.D^{۲*}, Rahim Taher Ph.D^۳

Abstract

Beliefs and beliefs are a part of people's public culture, which includes superstitions, medical, astronomical beliefs, beliefs related to animals, etc. , and a significant part of poets' works are dedicated to beliefs related to animals. Nezami is one of these poets who has reflected these beliefs in his Panjganj. He has used the elements of fantasy to make these beliefs attractive and beautiful. Therefore, in this research, the folk beliefs of animals; That is, animals and together with the elements effective in the beauty related to the images of these animals, are examined in Khamse Nezami. The working method in this research is descriptive and analytical based on library studies. The results show that under the influence of the culture of his era, Nezami was aware of the beliefs related to animals and used many animals and birds as the basis for creating various themes. In addition, he used simile, metaphor, irony, and allegory to make these beliefs more beautiful.

Keywords: Beliefs and convictions, aesthetics, animals, Nezami Ganjavi, Khamse.

۱. 1.Department of Persian Literature, college of human science, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.

Email: Naji.ashraf@ stu.iau-saveh.ac.ir

۲. 2.Department of Persian Literature, college of human science, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran. (Author)

Email: fahimi@iau-saveh.ac.ir

۳. 3.Department of Persian Literature, college of human science, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.

Email: Drtaher2022@iau-saveh.ac.ir